



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قصه‌هایی برای



# سالها

به قلم جمعی از نویسندگان:

نیکلا باکستر، مویرا باترفیلد، مارسل فیگل،

جین و تونی پین

ترجمه‌ی لاله جعفری

تصویرگر: جین کوپ



- هیچ وقت قورباغه‌ای را نبوس! ..... ۷
- امیلی، عنکبوتی رقصان را ملاقات می‌کند! ..... ۲۹
- قطار اشباح ..... ۴۹
- دزد دریایی با ادب ..... ۷۳
- من بدترین فضانورد دنیا بودم! ..... ۹۳
- ویلیام و کوچک‌ترین اژدها ..... ۱۱۳
- معلم عجیب! ..... ۱۳۵
- پدر بزرگ راسل ..... ۱۵۷





سارا گفت: «هیچ وقت حاضر نیستم یک قورباغه را ببوسم.»

اما گفت: «من هم همین طور.»

الی که چندشش شده بود، گفت: «حال به هم زن است.»

سارا گفت: «کاملاً موافقم.»

اما گفت: «ترجیح می‌دهم ناتالی نورمن را با آن صورت

زشتش ببوسم.»

و هر سه دختر با هم خندیدند.

الی پرسید: «تو چی، راشل! دوست داری یک قورباغه را

ببوسی؟»

راشل با خون سردی گفت: «تا حالا فکرش را نکرده بودم!

من قورباغه‌ها را دوست دارم.»

الی، اما و سارا به راشل خیره شدند. راشل به آنها نگاه کرد

و ادامه داد: «کار سختی نیست. اگر مجبور شوم، این کار را